

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه  
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1394/02/15



موضوع: ششمین مطهر ذهاب ثلاثین در عصیر عنبی

«السادس ذهاب الثلاثین فی العصیر العنبی علی القول بنجاسته بالغلیان لکن قد عرفت أن المختار عدم نجاسته و ان كان الاحوط الاجتناب عنه فعلى المختار فائده ذهاب الثلاثین تظهر بالنسبه الى الحرمة و اما بالنسبه الى النجاسة فتفید عدم الاشكال لمن أراد الاحتیاط و لا فرق بین أن يكون الذهاب بالنار أو بالشمس أو بالهواء كما لا- فرق فی الغلیان الموجب للنجاسة علی القول بها بین المذكورات» ششمین مطهر ذهاب ثلاثین است در عصیر عنبی. خمیری که از انگور گرفته شود علی القول بنجاسته بالغلیان. اختلاف نظر وجود دارد در اینکه عصیر عنبی به وسیله جوشیدن نجس می شود یا نجس نمی شود، مشهور این است که نجس می شود

دو حکم عصیر عنبی وقتی جوشید

اما عصیر عنبی دو تا حکم دارد: 1. حرمت شرب، 2. نجاست. درباره حرمت شرب اختلافی نیست، قطعاً جزء خمریات است و شربش حرام است و منصوص و مجمع علیه بلکه متسالم علیه. و اما درباره نجاستش مشهور این است که عصیر عنبی با غلیان مثل خمر از ذیب و تمر نجس می شود و بعد از که نجس شد، پاک شدن آن از دو طریق میسر است: طریق اول همان بود که در امر پنجم خواندیم که انقلاب، خمر خلّ بشود. طریق دوم این است که ذهاب ثلاثین بشود. مثلاً ظرفی است که سه قسمت دارد و خط کشی شده است، عصیر را می جوشانیم این غلیان همینطور ادامه پیدا میکند از حجم عصیر کاسته می شود، تا دو قسمت خط کشی شده تمام بشود یک قسمت باقی بماند. ذهاب ثلاثین بشود، در صورتی

که ذهاب ثلثین بشود این عصیر عنبی پاک شده است دیگر نجس نیست. می فرماید: در گذشته اعلام کردیم که آنچه که به نظر ما درست است و مستفاد از نصوص این است که عصیر عنبی به مجرد غلیان نجس نمی شود، فقط حرمت شرب دارد، نجاست ندارد. «و ان كان الاحوط الاجتناب عنه» هرچند احتیاط این است که باید از آن اجتناب کرد به تبعیت از مشهور یا احتمال نجاست، احتیاط هم می شود احتیاط مستحبی. فائده ذهاب ثلثین بر مبنای ما و بر مبنای مشهور فرق می کند، بر مبنای ما ذهاب ثلثین فائده اش مربوط می شود به رفع حرمت، اگر ذهاب ثلثین شد دیگر حرمتی نیست، عصیر عنبی بعد از ذهاب ثلثین حرمت شرب ندارد، این مختار ماست یعنی سید، اما بر مختار کسانی که قائل به نجاست هستند یا احتیاط می کنند فائده اش این است که این ذهاب ثلثین رفع اشکال می کند. اگر به طهارت و نجاستش اشکال داشت بعد از که ذهاب ثلثین شد دیگر اشکالی وجود ندارد. و بعد هم می فرماید: فرقی هم نیست بین اینکه ذهاب ثلثین به وسیله آتش باشد یا به وسیله آفتاب که دارای حرارت زیادی است یا به وسیله هواء که احیاناً تاثیر بکند و از حجم بکاهد، نه در حرمت شرب و نه در مورد نجاست عصیر بنابر قول به نجاست. ان شاء الله بحث را در مسئله فرعی دنبال می کنیم آنجا که بحث از طهارت تبعی به میان می آید که ظرف و وسائلی که برای ساختن عصیر عنبی به کار رفته است، بنابراین قول به نجاست به تبعیت پاک می شود و بنابر مختار سید یزدی اصلاً نجاستی نبوده، عصیر عنبی با غلیان نجس نشده فقط حرمت شرب داشته. این متن و فتوا را که دیدیم آنچه که می شود در جهت تقویت این متن و صحت این متن استناد کرد این است که نصوص دالّ بر حرمت شرب در حد زیادی است.

### کلام صاحب جواهر

صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: مسئله یعنی ذهاب ثلثین باعث طهارت نسبت به عصیر عنبی می شود و این مطلب هم مورد اجماع است و هم مورد نصوص مستفیضه اگر ادعای تواتر نکنیم، استفاضه در حد بالایی است که احتمال تواتر هم بعید نیست. [1]

### نصوص باب

و به عنوان اینکه مستند کرده باشیم مطلب را روایتی است: محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن محبوب عن عبدالله بن سنان که سند صحیح است «عن ابی عبدالله علیه السلام قال کلّ عصیر أصابته النار فهو حرام حتی یذهب ثلثاه و یبقى ثلثه» [2] جزء بهترین احادیث در این باب است. مشهور عمدتاً در همین کتاب وسائل ابواب اشربه محرمه باب یک روایاتی که آمده است شش تا روایت آمده، در این روایات خمر را پنج مورد اعلام کرده است که عصیر یک مورد از این موارد خمر است. بعد که خمر شد، خمر هم

نجاست بود و هم حرمت شرب، لذا عمده ترین دلیل مشهور این می تواند باشد. اگر عصیر عنبی بعد از ذهاب ثلثین غلیان موجب نجاست باشد حکم این ظرف چه می شود، حکم این ملاقه ای که این عصیر را تکان داده چه می شود، و حکم قطراتی که ریخته است در محیط اطراف چه می شود، بحث دارد. ولی فعلاً عنوان کردیم که دو قول وجود دارد مشهور و غیر مشهور، مشهور بر حرمت و نجاست و غیر مشهور بر حرمت. دلیل مشهور تشبیه به خمر و بیان اینکه این عصیر از موارد خمر است و حکم خمر را دارد. دلیل سید یزدی روایات کتاب وسائل باب دو از ابواب اشربه محرمه که در آنجا فقط حرام آمده و حرمت شرب و به نجاست تصریح نشده است و ما تابع نص هستیم. اضافه می شود که نجاست خمر خلاف قاعده است، قاعده بر طهارت است. خلاف قاعده اگر بود اخذ به آن مقدار متیقن بود. لذا ما در خود خمری که از تمر گرفته می شود گفتیم که آمده است که نجس است. و اما انواع دیگر تصریح ندارد فقط بیان مربوط می شود به حرمت شرب. و ما داریم از مواردی که حرمت شرب دارد و نجس نیست، خاک خوردن آن حرام است ولی نجس نیست، بنج که خوردن آن حرام است همان بنکی که در خراسان به آن چسب می گویند یا گرد هم به آن می گویند، که نجس نیست اما خوردن آن حرام است. بنابراین چیزی که از این موارد که از مواد مخدر است و نجس نیست اما خوردن آن حرام است متعدد داریم و فقط خود خمر است که نجاستش خلاف قاعده ثابت شده. بعد از که این مطلب را می فرماید، سید در متن آورد این نکته را فرمود: «و لا فرق بین أن یکون الذهاب بالنار أو بالشمس أو بالهواء»، می فرماید فرق نمی کند که ذهاب ثلثین به وسیله آتش باشد یا به وسیله آفتاب و هواء. صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «ینبغی أن یکون بواسطه النار»، به وسیله آتش باشد.

### کلام شیخ انصاری

شیخ انصاری قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: مطلب اجماعی است و مسلم است نصاً و فتواً، و فرق هم نمی کند این ذهاب ثلثین به وسیله آتش باشد یا به وسیله شمس و هواء. هرچند اغلب از حیث نص و فتوا این است که به وسیله نار باشد. از جمله نصوص به همین صحیحه عبدالله بن سنان اشاره می کند که دیدیم «اصابته النار فهو حرام»، تصریح شده است آن عصیر عنبی که اصابت به النار و ذهاب ثلثین بشود. و روایات دیگر همین باب دو اشاره به کلمه نار دارد. شیخ انصاری می فرماید: ممکن است این بیان که ذهاب ثلثین مستند شده است به نار از جهت غلبه در مصداق باشد، اغلب در مصداق این است که به وسیله شمس و هواء به ندرت اتفاق می افتد. آن هم آفتابی باشد در سرزمینی مثل مکه و اینها. ندرت وجود از نظر انداخته است، بنابر این ممکن است به جهت اقلیت باشد. و بعد در آخر خود ایشان می فرماید انصاف این است که نصی که داریم همین باب دو و فتوایی که در این مسئله داریم به ما اعلام می دارد که باید بگوییم اقوی این است که ذهاب ثلثین باید به وسیله نار باشد. چون که قدر متیقن هم این است و ما در غیر آن ممکن است شک بکنیم، شک در رافع بکنیم، شک در رافع هم طبق نظر شیخ انصاری شک در رافع بهترین

مورد برای اجرای استصحاب نجاست می شود، در شک در مقتضی ایشان تردید بلکه می فرماید در شک در مقتضی جاری نمی شود اما در شک در رافع که شبهه ای نیست و مورد اجماع و توافق صاحب نظران است.[3]

سوال: به اعتبار قرینه حالیه محل خطاب حجاز بوده و در سرزمین مکه و مدینه ذهاب ثلثین به وسیله شمس صورت می گرفته، بنابراین ممکن است قدر متیقن آن باشد که انصراف داشته باشد ذهاب به وسیله شمس.

پاسخ: صنعت عصیر همیشه در حجاز این نبوده که در یک ظرفی در آفتاب قرار بدهند، صنعت در خانه ها بوده و توسط جوشاندن و غلیان. غلیان و جوشاندن یک رسوماتی از دیر زمان است با تاریخ بشر همراه است و سریع نتیجه هم است. با جوشاندن هم به عصیر و هم به ذهاب ثلثین زودتر دسترسی حاصل می شود. قطعاً عصیر عنبی در اثر جوشاندن به وسیله آتش صورت می گرفته است هرچند به وسیله شمس در آن سرزمین ممکن بوده، شاهد بلکه دلیل اصلی در این رابطه نصوص ماست. در نصوص آمده است أصابته النار، این نصوص تصریح دارد. پس از تصریح این نصوص بر اینکه آتش این ذهاب ثلثین را انجام بدهد دیگر جایی برای شبهه باقی نخواهد ماند. مسئله ذهاب ثلثین به وسیله نار هم صاحب جواهر فرمودند و هم شیخ انصاری بعد از تحقیق مطلب را اینجوری اعلام کردند که ذهاب ثلثین به وسیله نار باشد قدر متیقن است و درست است. اضافه کنید که احتیاط هم این است. چون بیرون آمدن از حرمت است احتیاط می طلبد، همانطوری که شیخ فرمودند شک در رافع می کنیم و مطلب صحیح در این رابطه این است که بگوییم غلیان به وسیله نار باشد. فرع دومی مترتب بر این مسئله، فرع اول این بود غلیان باید به وسیله نار باشد.

ذهاب ثلثین بالوزن باشد یا بالمساحه

فرع دومی که مترتب است بر این مسئله این است که ذهاب ثلثین باید به چه صورت باشد. آیا بالوزن باشد یا بالمساحه؟ بالوزن که معلوم است، وزن کند به اوزانی که از مثقال شروع می شود تا من و کیلو و اینها. یا بالمساحه باشد که بالمساحه را گاهی کیل هم می گویند. مساحت یعنی اندازه ظرف به اصطلاح فارسی پیمانه، یک پیمانه. قدیم ها بعضی از خرید و فروش ها به پیمانه بوده است. فروشنده با خودش مثلاً چیزی را که می فروخته پیمانه ای یک پیمانه داشته ظرفی یک پیمانه ای پر چقدر مثلاً قیمت دارد. خرید و فروش پیمانه ای بوده است. این ذهاب ثلثین دو ثلث یک پیمانه باشد یا دو ثلث از حیث وزن. مثلاً یک عصیر عنبی که جوشانده می شود در داخل یک ظرف، آن ظرف سه قسمت داشته باشد، دو قسمتش که از بین رفت و پایین آمد یک قسمت که باقی ماند ذهاب ثلثین از لحاظ پیمانه شده است. و اما اگر وزنی در نظر بگیریم مثلاً فرض کنیم شصت مثقال باید بیست مثقالش باقی بماند و چهل مثقالش برود در اثر حرارت و جوشاندن و تلاشی بشود. کدام یکی درست

است؟ سید یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «و تقدیر الثلث و الثلثین اما بالوزن أو بالکیل أو بالمساحه و یثبت بالعلم و بالبینه». ایشان هر دو را معتبر می داند. صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «و العبره بالوزن و الکیل و المساحه حسب صدق العرف» [4]. به این مضمون می فرماید که ذهاب ثلثین فرق نمی کند که از حیث وزن باشد یک سوم باقی بماند یا از حیث اندازه باشد که یک سوم باقی بماند. فرقی در این رابطه وجود ندارد. اما شیخ انصاری قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: درست و متیقن این است که باید ذهاب ثلثین بالوزن باشد. برای اینکه قدر متیقن این است و روایتی داریم که این مطلب را تایید می کند. [5] روایت از عقبه بن خالد است، محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن الحسن عن ممد بن عبدالله اینها اجلاء و ثقاتند، عن عقبه بن خالد درباره عقبه بن خالد ما فحص کردیم توثیق خاص نتوانستیم پیدا کنیم، ممکن است شائبه ای از متن درباره ایشان دیده شود اما نه نه توثیق عام و نه توثیق خاص برایش در اختیار نداریم. لذا روایت یک مقداری از نظر سند مشکل دارد. ولی شیخ انصاری به این روایت اعتماد کرده و این روایت را فقهای دیگر هم مورد استناد قرار داده اند. که یک اعتبار ضمنی استفاده می شود. «عن ابی عبدالله علیه السلام فی رجل أخذ عشرة ارطال من عصیر العنب فصبّ علیه عشرين رطلاً»، حدیث طولانی است آن قسمتی که محل استشهاد است می خوانیم. می فرماید ده رطل که پیمانه است، داشت و بیست رطل دیگر هم اضافه شد مجموع را پخت که مجموع شده بود سی رطل و بعد از پختن «حتى ذهب منه عشرون رطلاً و بقی عشرة ارطال»، ده رطل باقی ماند، «أیصلح شرب تلك العشرة أم لا؟» این ده رطلی که باقی مانده است یک سوم، شربش جایز است یا حرام؟ «فقال ما طبخ علی الثلث فهو حلال» [6] گفته می شود رطل اشاره به وزن دارد. شیخ انصاری می فرماید: کلمه ثلث ظهور در وزن دارد. بنابراین از این روایت استفاده می شود به عنوان یک موید که وزن اولی است. و بعد می فرماید اگر شک بکنیم که وزن کافی است یا رطل، اقوی این است که به وزن اکتفاء بشود. برای اینکه وزن در نصوص آمده است که در صحیحہ علی بن جعفر آمده است «حتى یذهب ثلثاه و یبقی ثلثه» تصریح شده است به ثلث و متبادر از ثلث وزن است. بنابراین اقوی این است که به وزن اکتفاء بشود و اعتبار به وزن باشد نه بر کیل و مساحت. بیان شیخ انصاری را مطابق با رأی صاحب جواهر فهمیدیم. اما فقیه همدانی و سید الحکیم مطابق با متن بیانی دارند که می فرمایند وزن و کیل همه کفایت می کند، شرح مسئله برای فردا.

[1] جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج 6، ص 291 و 292.

[2] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 17، ص 224، ابواب اشربه محرمة، ب 2، ح 1، ط اسلامیة.

[3] کتاب الطهارة، شیخ انصاری، ج 5، ص 315.

[4] جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج 6، ص 292.

[5] کتاب الطهارة، شیخ انصاری، ج 5، ص 316.

[6] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 17، ص 236، ابواب اشربه محرمة، ب 8، ح 1، ط اسلامیة.